



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۴. شهرت - ادله حجیت - نتیجه بحث در مورد مقبوله - بررسی کلام مصادف با: ۲ ربیع الثانی ۱۴۴۶
شیخ انصاری و محقق خراسانی - جمع بندی در مورد حجیت شهرت فتوایی - ۱. شمول مقبوله نسبت به شهرت عملی و شهرت فتوایی - ۲. اختصاص مقبوله به شهرت قدمایی
سال شانزدهم
جلسه: ۱۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

ما تقریب استدلال به دلیل چهارم برای حجیت شهرت فتوایی را ذکر کردیم، اشکالاتی که نسبت به این دلیل بود بیان شد. اشاره ای به کلمات بعضی از اعظم مثل محقق خراسانی و شیخ انصاری داشتیم زیرا بعضی از این اشکالات نسبت به این مقبوله را آنها مطرح کردند، پس از آن کلام محقق نایینی، امام خمینی، محقق بروجرودی نسبت به این مقبوله بیان شد.

نتیجه بحث در مورد مقبوله

اگر بخواهیم یک جمع بندی داشته باشیم نسبت به این مقبوله باید بگوییم مسلماً از این مقبوله حجیت شهرت فتوایی قدماً استفاده می شود. این مقبوله بر شهرت فتوایی قدماً دلالت دارد، زیرا تعلیلی که در این مقبوله بیان شده است به ضمیمه جمله «المجمع علیه بین اصحابک» و نیز «ان الامور ثلاثه» که بعد از تعلیل آمده اینها همه بر اعتبار شهرت دلالت دارند، منتهی شهرت در اینجا شهرت بین الاصحاب است، یعنی همان شهرت فتوایی.

لکن ما یک بحثی داشتیم؛ از نظر اصطلاح شهرت فتوایی یعنی فتوایی که مشهور شده و مستند آن برای ما معلوم نیست. در مقابل شهرت عملی که این نیز شهرت در فتوا می باشد اما مستند آن برای ما معلوم است لکن چون یک روایت ضعیف السند مستند فتوای مشهور است آنگاه بحث در این است که آیا استناد مشهور در مقام فتوا به یک روایت ضعیف السند جبران ضعف سندی را می کند یا خیر؟ آنجا گفتند شهرت جابر ضعف سند است، لذا شهرت عملی را معتبر دانستند، هرچند برخی در آن هم اشکال دارند، قدر مسلم این است که مقبوله به شهرت روایی مرتبط نیست. بلکه مربوط به شهرت فتوایی است، اما اینکه از آن نوعی است که مستندش معلوم است، یا از نوعی است که مستندش معلوم نیست، زیرا شهرت عملی نیز در واقع شهرت فتوایی است. لذا این معلوم شد که شهرت روایی منظور نیست و بر خلاف برخی مثل محقق نایینی که معتقدند مقبوله ناظر به شهرت روایی است، ما عرض کردیم مقبوله عمر بن حنظله ربطی به شهرت روایی ندارد. اشکالات ایشان و ادله ایشان را بیان کردیم و مورد مناقشه قرار دادیم.

بررسی کلام شیخ انصاری و محقق خراسانی

با مطالبی که تا اینجا گفتیم قهراً اشکال مطالبی که شیخ انصاری و محقق خراسانی گفتند، معلوم می شود.

محقق خراسانی نه تنها در مورد مقبوله بلکه در مورد مرفوعه زراره نیز معتقد است که ناظر به شهرت روایی است، ایشان فرموده «المجمع علیه» در این مقبوله همان روایت است، در مورد مرفوعه نیز محقق خراسانی می فرماید که اینکه امام فرموده «خذ بما اشتهر بین اصحابک» منظور از «ما»ی موصوله، الروایه المشهوره است نه مطلق مشهور هرچند صرف یک فتوا باشد.

شیخ انصاری نیز معتقد است که منظور از «ما»ی موصوله در مقبوله و مرفوعه روایت مشهور است، نه فتوای مشهور، شیخ انصاری فرموده این اصلا یک امر عرفی است که وقتی سوال از یک چیزی می شود و پاسخ به آن داده می شود، آن موصول که با لفظ ما یا امثال آن در جواب می آید، ناظر به همان مورد سوال است. مثلا اگر کسی از دیگری سوال کند که من کدام یک از این دو غذا را بخورم و او در پاسخ بگوید «کل ما هو دهنه اکثر» بگوید آن که چرب تر است، آن را بخور، آن که روغنش بیشتر است، اینجا معلوم است که مای موصوله ناظر به خوردن اکثر دهنه من بین هذین الطعامین است نه اینکه بخواید به صورت مطلق بگوید آن که «اکثر دهنه» است، بعد استدلال کند و بگوید مورد مخصص نیست و اینکه پاسخ دهنده به من گفته «ما هو دهنه اکثر» آن که روغنش بیشتر است، این کلی گفته است «ما دهنه اکثر» یعنی هر غذایی که چرب تر است، درست است که در مورد این دو غذا است ولی مورد مخصص نیست، شیخ انصاری می گوید اینطور فکر نکنید اینجا ما به عنوان موصول به مطلق طعام بر نمی گردد بلکه «ما» قطعا به همین دو طعام اشاره دارد. بر این اساس وقتی امام می فرماید «خذ بما اشتهر بین اصحابک» نمی خواهد بگوید به هر چیزی که مشهور بین الاصحاب بود اخذ کن، نه «ما اشتهر بین اصحابک» یعنی آنکه بین این دو خبر مشهور تر بین اصحاب است به آن اخذ کن، پس ناظر به روایت است، نمی خواهد بگوید به مطلق مشهور یا فتوای مشهور اخذ کن، همین مطلب در مورد مقبوله عمر بن حنظله نیز جاری می باشد که «المجمع علیه بین اصحابک» یعنی «المجمع علیه بین اصحابک» ولی من بین هذین خبرین، نه مطلق آن چیزی که بین اصحاب مشهور است.

شیخ انصاری تقریبا با همین سیاق همانند محقق خراسانی معتقد است هم مقبوله عمر بن حنظله و هم مرفوعه زراره اساسا به شهرت فتوایی ارتباط ندارد بلکه مربوط به شهرت روایی است.

با توجه به توضیحاتی که قبلا دادیم نه اشکالات شیخ انصاری وارد است و نه اشکالات محقق خراسانی. نسبت به آنچه شیخ انصاری فرموده، بله اگر ما تعلیل را در مقبوله نداشتیم، اگر «فان المجمع علیه لاریب فیه» را نداشتیم حق با ایشان بود، اگر چه «المجمع علیه بین اصحابک» نیز گفتیم اشاره به خصوص آن دو خبر ندارد ولی عمده تکیه ما در مورد مقبوله روی آن تعلیل بود، «فان المجمع علیه لاریب فیه» چون به عنوان تعلیل ذکر شده، فرق می کند با مثالی که شیخ انصاری گفته، اینکه شخصی بگوید «ما هو دهنه اکثر» بله آنجا «ما» اشاره به همان دو طعامی دارد که مورد سوال قرار گرفته است، اما اگر همین جمله به صورت تعلیل آمده بود، مثلا اگر سوال می کرد که آقا من از این دو غذا کدام را میل کنم؟ او می گفت «ما هو دهنه اقل» آن که روغن و چربیش کمتر است بعد می گفت «فان ما هو اقل دهنه اقرب للصحه» آن که دهنش کمتر است به سلامتی نزدیک تر است، شما از این کلیت استفاده نمی کردید؟ نمی توانستید تسری دهید به همه غذاها؟ حتما این کار را می کردید، می گفتند این «ما» با اینکه موصول است اما ناظر به این دو طعام خاص نیست، زیرا در مقام تعلیل وارد شده است، اینجا نیز همینطور است، «فان المجمع علیه لاریب فیه» چون به عنوان تعلیل بیان شده است ما می توانیم یک قاعده کلی از آن استفاده کنیم و دیگر منحصر به آن مورد سوال نیست.

لذا اشکال محقق خراسانی و شیخ انصاری وارد نیست و این با توجه به مطالبی که ما در بررسی اشکالات به مقبوله ذکر کردیم کاملاً قابل استفاده است و دیگر آن را تکرار نمی‌کنیم. آنچه هم که محقق نایینی و برخی دیگر بیان کردند همه تکثیر و توضیح همان اشکالاتی بوده که محقق خراسانی و شیخ انصاری گفتند، هرچند خود محقق نایینی یک اشکالاتی را افزوده. ملاحظه کردید که این اشکالات هیچ کدام وارد نیست.

تفاوت کلام شیخ انصاری و محقق خراسانی

اما یک نکته وجود دارد و آن اینکه آیا هیچ تفاوتی بین سخن محقق خراسانی و شیخ انصاری در این مقام هست یا خیر؟ محقق خراسانی و شیخ انصاری بر یک مطلب اتفاق نظر دارند، چون هر دو معتقدند که مقبوله عمر بن حنظله ناظر به شهرت روایی است، اما در عین حال با هم تفاوت هم دارند.

اشکال شیخ انصاری بر نفی شمول لفظ مجمع علیه نسبت به مشهور اصطلاحی است. یعنی شیخ انصاری قبول دارد المجمع علیه به معنای المتفق علیه یا ما یتفق علیه نیست، بلکه به معنای مشهور است منتهی می‌گوید منظور از مشهور اینجا ما هو ظاهر و شایع و واضح است، نه شهرت اصطلاحی، شهرت ای ضاح، شاع، واضح شد، آشکار شد، بنابراین المجمع علیه معنایش آن چیزی است که واضح و روشن است، یعنی شهرت به معنای لغوی. درست است که علت عام است، «فان المجمع علیه لاریب فیه» علت است، عمومیت دارد ولی «المجمع علیه» یعنی آن روایتی که واضح و آشکار و بین است، منظور این است.

لکن محقق خراسانی معتقد است این «المجمع علیه» همان مشهور اصطلاحی است نه لغوی «فان المجمع علیه» یعنی همان معنای اصطلاحی شهرت، منتهی ایشان اشکالشان این است که آن علت عمومیت ندارد.

پس تفاوت محقق خراسانی و شیخ انصاری در دو جهت است:

۱. شیخ انصاری معتقد است «المجمع علیه» به معنای مشهور لغوی است. ولی محقق خراسانی معتقد است به معنای مشهور اصطلاحی است.

۲. شیخ انصاری علت مذکور در مقبوله را عام می‌داند اما محقق خراسانی عموم علت را انکار می‌کند.

بنابراین بین سخن محقق خراسانی و شیخ انصاری دو فرق وجود دارد ضمن اینکه هر دو بر این امر اتفاق نظر دارند که مقبوله دلالت بر شهرت روایی دارد نه شهرت فتوایی.

جمع بندی در مورد حجیت شهرت فتوایی

با توجه به اینکه دلیل اصلی حجیت شهرت فتوایی مقبوله است باید به دو سوال پاسخ داده شود تا بحث نهایی شود.

۱. شمول مقبوله نسبت به شهرت عملی و شهرت فتوایی

۱. آیا شهرت فتوایی از این جهت عام است که مستندش معلوم باشد یا نباشد یا منظور آن شهرت فتوایی است که مستندش معلوم

نباشد. به تعبیر دیگر آیا مقبوله هم شامل شهرت عملی می‌شود و هم شهرت فتوایی یا تنها شامل شهرت عملی می‌شود؟

با توجه به مطالبی که بیان شد، مخصوصاً علت و جمله ای که در مقام تعلیل بیان وارد شده معلوم می‌شود این اختصاص به شهرت عملی ندارد، «فان المجمع علیه لاریب فیه» یعنی آنچه که مشهور بین اصحاب است یعنی اصحاب به آن داده اند لاریب فیه اطلاق

دارد، عمومیت دارد، هم شامل جایی می‌شود که مستندش معلوم باشد و هم شامل جایی می‌شود که مستندش معلوم نباشد. درست

است که مورد روایت شهرت فتوایی در جایی است که مستند معلوم است زیرا می‌گوید اصحاب فتوا دادند، فتوایشان با هم متفاوت

است، هر کدام به یک خبر عمل کردند، پس مسلم شهرت فتوایی است، فتوای اصحاب نیز مستند به یک خبر است، مورد مقبوله فتوای مشهور است که مستند به یک روایت باشد که ما از آن به عنوان شهرت عملی یاد می‌کنیم، اما تعلیلی که در روایت آمده است عام است، هم شهرت فتوایی را می‌گیرد یعنی آنجایی که فتوای مشهور وجود دارد ولی مستندش برای ما معلوم نیست، این تعلیل عام است. پس از این جهت مقبوله عمومیت دارد.

۲. اختصاص مقبوله به شهرت قدمایی

۲. آیا این اعم از شهرت فتوایی بین قدما و متأخرین است یا تنها مختص به شهرت فتوایی بین قدماست؟ آیا مقبوله مطلق شهرت فتوایی را حجت می‌کند یا خصوص شهرت فتوایی قدما را؟ مثل آنچه که محقق بروجردی فرمودند، ایشان فرمود شهرت فتوایی قدمایی حجت است اما شهرت فتوایی متأخرین اعتبار ندارد چون مقبوله بر آن دلالت نمی‌کند.

حال این مقبوله هر دو را معتبر می‌کند یا شهرت فتوایی قدمایی را و آنگاه اگر شهرت فتوایی قدمایی را معتبر می‌کند به چه ملاکی این کار را انجام می‌دهد زیرا ملاک هم مهم است. اینجا باید برویم سراغ قرائنی که ما به آنها استناد کردیم برای اینکه بگوییم این مقبوله کاری به شهرت روایی ندارد.

آنچه مسلم است این است که امام (ع) در این مقبوله تکیه کرده اند بر شهرت فتوایی بین اصحاب وقتی می‌گوید «المجمع علیه بین اصحابک» یعنی بین اصحاب، یعنی آنچه مشهور بین اصحاب است معلوم است که شهرت فتوایی است، حال این شهرت فتوایی یعنی شهرت فتوایی آن کسانی که به امام به یاران نزدیک امام دسترسی دارند، و این در واقع یک امر عقلایی و ارتکازی است. ما قبلاً هم گفتیم وقتی حواریون یک رئیس، اصحاب یک رئیس، خواص یک رئیس، شاگردان اصلی یک رئیس تقریباً همه یا اغلبشان یک مطلبی را می‌گویند این معلوم می‌شود که اینها این را از بزرگ و رئیس تلقی کردند. فرض هم این است که اینها همه وفادار هستند و اهل خیانت و دروغ نیستند، ما وقتی می‌بینیم فتاوی نزدیکان ائمه بر یک امری استوار شده است این را می‌توانیم بگوییم لا ریب فیه، اینجا شهرت فتوایی برای ما معتبر است و شکی در آن نیست، این قدر مسلم است، اینکه در مقام تعلیل می‌فرماید فان المجمع علیه لا ریب فیه آن که بین اصحاب مشهور باشد، اصحاب فتوا داده باشند، این لاریب فیه، این مقدم است نسبت به آن فرضی که تعداد اندکی به آن فتوا دادند، وقتی این دو با هم مقایسه می‌شوند این لاریب فیه، اینجا به وضوح دارد اعتبارش را بیان می‌کند.

حال شهرت قدمایی طبق این حدیث آیا تعبدا حجت دانسته شده است یا از باب ایجاد اطمینان؟ این خیلی مهم است. یعنی چون اینها موجب وثوق و اطمینان به این می‌شوند که نظر رئیس مذهب و مکتب نیز همین است مورد قبول است یا خیر این مقبوله ما را متعبد می‌کند به آن شهرت ولو موجب حصول وثوق و اطمینان نشود زیرا اگر یادتان باشد ما عرض کردیم اساساً موضوع بحث ما در مورد حجیت شهرت فتوایی آن شهرت فتوایی است که مستند آن معلوم نیست و برای ما موجب وثوق و اطمینان هم نمی‌شود زیرا اگر وثوق و اطمینان حاصل شود اینجا حجیت شهرت فتوایی به ملاک وثوق و اطمینان است. موضوع بحث ما آن شهرت فتوایی است که ما ممکن است به سبب آن اطمینان برای ما حاصل نشود، می‌خواهیم ببینیم تعبدا این شهرت فتوایی برای ما حجت می‌شود یا خیر؟ تقریری که از بنای عقلاء کردیم آنجا نیز برای انسان اطمینان حاصل می‌شود اما آیا این مقبوله میتواند شهرت تعبدی فتوایی قدما را ثابت کند.

بحث جلسه آینده

این بحث یک تنمه ای دارد که فردا انشاء الله بیان می شود و از این بحث خارج می شویم و سراغ بحث بعدی یعنی خبر واحد می رویم.

والحمد لله رب العالمین»